هفته نامهٔ

وآنان که در راه مـا بـا جـان ومـال جهادکردنـد محققاً آنـان رابـه راه خـویش
هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قران کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور هفتم | سال پنجم | شمارهٔ بیست و یکم | شنبه ۷ میزان ۱۳۸۶هـ ش | ۱۷ رمضان المبارک ۱۴۲۸ - هـ ق | 29 September, 2007

نخستین همایش اخوت اسلامی برگزار گردید

استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در همایش شورای اخوت اسلامی :

اخوت و برادری در اسلام یک شعار نیست بلکه یک استراتیژی است

روز سه شنبه ۲ میزان شورای اخوت اسلامی همایشی را با اشتراک چندین رسانهٔ دیداری و نوشتاری از جمله تلویزیون های تمدن و نور و نورین و شمشاد برگزار کرد.

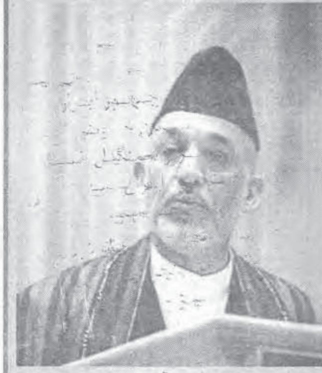
در این همایش که تحت عنوان اخوت راهی به سوی وحدت ملی برگزار گردید در آن شماری از علمای دینی و رهبران جهادی سخنرانی نمودند، استاد ربانی یکی از سخنرانان این همایش بود، اخوت میان مسلمانان را نه یک شعار بلکه استراتژی اسلام یاد نمود. وی تفرقه و اختلاف را عمده ترین دشمن مسلمانان خواند که همیشه باعث تضعیف جوامع اسلامی و از میان رفتن کشورها و حکومت های اسلامی گردیده است. (متن کامل سخنرانی استاد ربانی را در صفحهٔ سوم همین شماره نشر گردیده است).

آیت الله آصف محسنی سخنران دیگر این اجلاس فرقه ها و مذاهب مختلف اسلام را به شاخه هایی تشبیه کرد که بر روی درخت تنومند اسلام روییده اند و گاه گاهی با هم به مقابله بر می خیزند، بدون آن که به فکر تنهٔ درخت باشند.



در این همایش آقای فضل کریم رئیس تلویزیون شمشاد و دکتر سید عبدالقیوم سجادی عضو مجلس نمایندگان نیز سخنرانی نمودند.

حامد کرزی در شصت و دومین اجلاس سازمان ملل متحد



حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان به تاریخ ۳۰ سنبله جهت اشتراک در شصت و دومین همایش مجمع عمومی سازمان ملل وارد نیویارک گردید.

حامد کرزی به روز یکشنبه اول میزان، در اجلاس افغانستان که با اشتراک نمایندگان ۲۴ کشور برگزار شد اشتراک نمود، وی همراه با بان کی مون دبیرکل سازمان ملل، ریاست این اجلاس را برعهده داشت. اشتراک کنندگان که شامل کشورهای همسایه و کشورهای کمک دهندهٔ افغانستان می شدند، بر ادامهٔ همکاری های خویش به افغانستان تأکید نمودند.

رئیس جمهور افغانستان به روز چهارشنبه بیانیهٔ خویش را در مجمع عمومی سازمان ملل ایراد نمود. وی از پیشرفت های حکومتش یاد کرد و از کاهش مرگ و میر کودکان و رفتن دختران به مکتب به عنوان نمونهٔ پیشرفت یاد آوری نمود، کرزی در سخنرانی خویش از خود کفا شدن افغانستان در عرصهٔ تولیدات حبوبات یاد آوری نمود. رئیس جمهور در سخنرانی ۱۲ دقیقه یی خویش به چالش های دولت افغانستان اشاره نمود و از خطر تروریسم به عنوان مشکل اصلی افغانستان یاد کرد.

حامد کرزی همچنان به روز پنجشنبه ۵ میزان در میز گردی اشتراک نمود که از طرف جورج بوش پیرامون دموکراسی برگزار گردید.

رئیس جمهور افغانستان در این سفر با برخی از رهبران جهان، از جمله جورج بوش رئیس جمهور امریکا ملاقات کرد.

طالبان خوب و طالبان بد

ص۲

مولوی غلام ربانی نورستانی وفات یافت

مولوی غلام ربانی نورستانی یکی از علمای مشهور کشور و یکتن از اعضای برجستهٔ جمعیت اسلامی افغانستان به عمر ۶۶ سالگی در کابل داعی اجل را لبیک گفت.

مولوی غلام ربانی در سال های جهاد به عنوان فرمانده جمعیت اسلامی افغانستان و آمر جبهات کنر در جهاد علیه نیروهای اتحاد شوروی و حکومت دست نشانده نقشی فعال بازی کرد و رشادت و شایستگی خاص نشان داد.

مولوی غلام ربانی پس از فتح ولایت کنر در دوران جهاد در طی یک انتخابات به عنوان نخستین والی مجاهدین در ولایت کنر تعیین گردید و مدت سه سال در این پست اجرای وظیفه نمود. وی بعداً به حیث وزیر مشاور در دولت اسلامی افغانستان تقرر یافت. بعد از تسلط طالبان بر کابل، مولوی غلام ربانی در مبارزه علیه طالبان شرکت نمود و در ولایت نورستان گروه های مقاومت برضد طالبان را رهبری نمود.



بعد از سقوط طالبان مولوی ربانی از کار رسمی کنار گرفت اما مشکلات او را رها نکرد. در یک بمباردمان هوایی نیروهای امریکایی منزل وی هدف قرار گرفت و هشت تن از نزدیکان وی به شهادت رسیدند. این حادثه تأثیری ناگوار بر روان مولوی نورستانی به جا گذاشت و او را علیل ساخت.

بالآخره مولوی غلام ربانی به تاریخ ۹ مبارک رمضان بر اثر بیماری مزمن در یکی از شفاخانه های کابل چشم از جهان فرو بست. إنا لله و إنا إليه راجعون

جمعیت اسلامی افغانستان وفات این مجاهد متواضع و بی ریا را به همهٔ مجاهدین و مردم مسلمان افغانستان به خصوص مردم شریف نورستان و خانوادهٔ مجاهد او تسلیت می گوید.

میزان فساد در کشورهای جهان منتشر گردید

سازمان شفافیت بین المللی با انتشار گزارشی میزان فساد اداری و مالی در کشورهای مختلف جهان را منتشر نمود. این گزارش شاخص هایی را برای ارزیابی میزان فساد تعیین و بر اساس آن کشورها را رده بندی نموده است.

در این گزارش کشورهای دانمارک و فینلند با گرفتن شاخص یک، دارای کمترین میزان فساد دانسته شده و کشورهای برما و سومالی با گرفتن شاخص ۱۷۹ در پایین جدول قرار گرفته اند. افغانستان با گرفتن عدد ۱۷۲ در کنار کشور چاد دارای سطح فوق العاده بالای فساد اداری و مالی قلمداد گردیده است.

جایگاه افغانستان بعد از عراق که دارای شاخص عددی ۱۷۳ است، در آسیا مقام دوم را در گستردگی فساد اداری به خود اختصاص داده است.

ادامه در ص۸

برگزای اجلاس سران برای مقابله با گرمایش زمین

روز دوشنبه ۲۴ سپتامبر رهبران ۱۵۰ کشور جهان در مقر سازمان ملل در نیویارک در نشستی که به منظور مقابله با گرمایش زمین برگزار شده بود اشتراک کردند.

این اجلاس که مصادف شده است با برگزاری شصت و دومین همایش مجمع عمومی سازمان ملل به علت اشتراک شماری سران کشورها اهمیت فوق العاده یافته است. اگر چه تصمیمات بزرگی در آجندای این اجلاس قرار داده نشده است، اما گفته می شود، در این اجلاس برای کنفرانس بین المللی گرمایش زمین که قرار است تا دو ماه دیگر در بالی اندونیزیا برگزار گردد، آمادگی های لازم اتخاذ گردیده است.

کشورهای صنعتی نیز اجلاس دیگری را با میزبانی رئیس جمهور امریکا جهت مقابله با گرمایش زمین به روز پنجشنبه و جمعهٔ هفتهٔ گذشته برگزار نمودند.

ادامه در ص۸

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر

آدرس : کابل- بهارستان ـ جادهٔ معین الدین چشتی ـ کوچهٔ قصابی دست چپ ـ کوچهٔ پنجم ـ خانهٔ پنجم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۰۲۸۵۱۳۹
Website: www.mujahidweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

نگاهی به کارنامه های پنج سال حاکمیت طالبان

یازده سال پیش در شام ۵ میزان ۱۳۷۵ جنگجویان حرکت طالبان وارد کابل شد و حکومت امارت اسلامی خویش را که ۵ سال ادامه یافت برقرار نمودند.

بحث های مربوط به طالبان و کارنامه های حکومت آنان شامل تجربه های تلخی برای مردم افغانستان می شود که به مهمترین آن اشاره می نماییم.

به عنوان مقدمه نقش خارجیان در ایجاد و تقویت این گروه قابل ذکر است. تضعیف حکومت مجاهدین و ر انـن آنان از کابل یکی از برنامه های وسیع منطقه یی و فرا منطقه یی بود. در این راستا جنگ های میان گروهی میان مجاهدین به راه انداخته شد و در ادامه، پاکستان، با حمایت برخی کشورهای عربی و غربی گروه طالبان را ساخت. حامیان طالبان در نظر داشتند گروه های مجاهدین که نمایندهٔ جنبش سیاسی اسلامی گرا در جهان اسلام تلقی می شدند توسط گویا یک گروه سنتی مذهبی که هدف های جهانی و منطقه یی نداشت و بی خطر دانسته می شد، تعویض گردند. اما ائتلاف این گروه با القاعده و حوادث بعدی این برنامه را برهم زد.

کارنامهٔ مهم طالبان، بحث تطبیق شریعت اسلامی است. طالبان قرائت بدوی و نا متوازن از شریعت اسلامی ارائه نمودند. مخالفت با آموزش و کار زنان، توجه بیش از حد لازم به احکام فرعی و ثانوی دینی مانند ریش، لباس، تصویر، و با به کار بستن و تطبیق شیوه های نادرست و اشتباه آمیز برخی احکام و ارزش های دینی مانند دعوت، عبادت و حدود، سیمایی خشن، بی رحم و متحجر را از اسلام به نمایش گذاشتند و در مسألهٔ دین ورزی در داخل و معرفی اسلام برای دیگران، دچار خطاهای بزرگ گردیدند.

مخالفت با حقوق بشر مخصوصاً زنان، کارنامهٔ دیگر گروه طالبان بود. طالبان یک حکومت مستبدانه و سرکوب گر را به میان آوردند و همهٔ آزادی ها را مصادره کردند. در حکومت طالبان جایی برای آزادی بیان وجود نداشت، حقوق شهروندی اتباع افغانستان سلب گردید، مشارکت مردم در قدرت تا حد حکومت های استبدادی قرون وسطایی پایین آمد، عدالت و مساوات از میان رفت، دروازهٔ مکاتب و مؤسسات تعلیمی بر روی زنان و دختران مسدود گردید. استاد ربانی رئیس دولت اسلامی افغانستان در آن زمان، امنیت مورد ادعای طالبان را امنیت در یک زندان بزرگ و جامعهٔ آن روز را شهر ارواح توصیف نمود.

تمایلات شدید قومی و نهادینه شدن تبعیض و تمایز نژادی دست آورد دیگر طالبان بود، هرچند که گرایش قومی سهمی مهم پیدا و پنهان در اکثر جریان های سیاسی افغانستان داشته است، اما طالبان به صورتی عریانی عملاً به عنوان یک گروه قومی تبارز نمودند. موجودیت نمادین و بی تأثیر عناصری از اقوام دیگر در صفوف طالبان، به هیچ صورت مفهوم مشارکت ملی، در حکومت این گروه را ثابت نمی کند، این عناصر بیشتر توسط رهبران خارجی طالبان به منظور آرایش سیمای آنها جا به جا می شدند. اما، فاقد هر نوع قدرت واقعی و پایگاه اجتماعی بودند. طالبان دست به کشتار بی رحمانهٔ سایر اقوام در بامیان، مزار، شمالی، تخار، هرات و جاه های دیگر زدند. طرح های آنان برای ریشه کن کردن و تصفیهٔ نژادی گروه های تباری غیر خودی، در کتاب سقاوی دوم منتشر گردید.

ادامه در ص ۶

طالبان خوب و طالبان بد

محمد نسیم فقیری



رئیس جمهور طی یک نشست خبری در حاشیه اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یکبار دگر بر ضرورت صلح و مذاکره با طالبان تاکید نمود. آقای کرزی مانند گذشته باز هم طالبان رابه خوب وبد تقسیم نمود و خواهان مذاکره و صلح با طالبان خوب شد.

سؤال مهم، تعریف طالبان خوب است! از نظر رئیس جمهور و برخی از همکاران و هواداران او، طالبان خوب، آنانی اند که نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی را می پذیرند، با جنگ و حملات انتحاری و گروگانگیری و آتش زدن مکاتب و کلینک ها و کشتار مردم مخالفند ولی رنجش و یا اعتراضاتی دارند که می توان با مذاکره آن را بر طرف نمود و در نتیجه به زندگی صلح آمیز رو خواهند آورد و دنیا گل و گلزار خواهد شد.

و طالبان بد آنهایی اند که عملیات تروریستی و انتحاری را سازماندهی و اجرا می نمایند نیروهای خارجی و اردو و پلیس را مورد حمله قرار می دهند، ماموران دولت و کارمندان مؤسسات را ترور می کنند و یا به گروگان می گیرند، مکاتب و مراکز صحی را آتش می زنند و معلمان را تهدید، تخویف ویا به قتل می رسانند و ...

سؤال مهم دیگر این است که دولت با کدام طالبان می خواهد مذاکره نماید؟

طالبان خوب با تعریفی که داده شد، واقعا خوبند و می توانند که برای بیان رنجش ها و یا اعتراضات شان از همه وسایل موجود و مشروع و قانونی در نظام جمهوری اسلامی استفاده نمایند، آنها می توانند مانند هر فرد دیگر افغانستان روزنامه و نشریه و رادیو داشته باشند، مصاحبه ها بنمایند، در انتخابات ها به حیث انتخاب کننده و یا انتخاب شونده سهم بگیرند و حتی از اجراءات و اقدامات دوران حاکمیت طالبان به صراحت دفاع نمایند.

همین اکنون و حتی پس از سقوط حاکمیت طالبان، تعدادی از افراد بلند پایهٔ این گروه به شمول وزیر خارجه و چند وزیر و ده ها مقام دیگر آنان در درون و بیرون نظام در کمال امنیت و آسایش بسر می برند و کسی هم مزاحم شان نیست!

هر گاه به وجود طالبان خوب و بد باور داشته باشیم و واقعا هم چنین تقسیم بندی درمیان آن گروه وجود داشته باشد، پس لازم است تا با گروه طالبان بد مذاکره صورت گیرد و در نتیجهٔ مصالحه و دادن امتیازات به آنان، مجبور و یا راضی و قانع گردند که دست از جنگ و خشونت بردارند و از مبارزهٔ نظامی به مبارزهٔ سیاسی تغییر جهت بدهند

چند تن از آنان در انتخابات پارلمانی شرکت نمودند و در ولسی جرگه و مشرانو جرگه به حیث وکلای انتخابی و انتصابی حضور دارند.

این افراد هرگز در مصاحبه های شان از دوران حاکمیت طالبان و امیر شان انتقاد نکرده اند و هم چنین حضور نظامیان خارجی و یا دولت موجود را تایید ننموده اند.

تنها چیزی که تا هنوز صورت نپذیرفته حضور مقامات بلند پایهٔ طالبان در کابینهٔ افغانستان است. هر چند تعدادی از وزرای دوره های موقت و انتقالی و کنونی در زمان حاکمیت این گروه از مدافعان آنان بوده اند!

بنابرین مذاکره با طالبان خوب ضرورتی ندارد و مشکلی را نیز حل نخواهد کرد.

زیرا این ها جنگجویان مسلحی نیستند که نیروهای خارجی و نیروهای افغانستان را مورد حمله قرار دهند، علمیات تروریستی و انتحاری را سازماندهی و اجراء نمایند، و مکاتب را آتش بزنند و علماء و معلمان و ماموران را به قتل برسانند که در نتیجهٔ مذاکره و مصالحه با آنان و یا راه یافتن شان به کابینه، سلسله حملات قطع گردد و امنیت مکاتب و افراد اردو و پلیس تأمین شود.

پس هر گاه به وجود طالبان خوب و بد باور داشته باشیم و واقعا هم چنین تقسیم بندی درمیان آن گروه وجود داشته باشد، پس لازم است تا با گروه طالبان بد مذاکره صورت گیرد و در نتیجهٔ مصالحه و دادن امتیازات به آنان، مجبور و یا راضی و قانع گردند که دست از جنگ و خشونت بردارند و از مبارزهٔ نظامی به مبارزهٔ سیاسی تغییر جهت بدهند.

و هرگاه دولت بخواهد با این طالبان بد مذاکره نماید ولی آنان را طالبان خوب قلمداد کند، پس طالبان بد کی ها خواهند بود؟

بازتاب نگرانی های جهانی در همایش نیویارک

وحید مژده



در حاشیهء شصت ودومین اجلاس اسامبلهء عمومی سازمان سازمان ملل در نیویارک، جلسه یی تحت ریاست رئیس جمهور کرزی و بانکی مون دیرکل سازمان ملل در مقر این سازمان برگزار شد که در آن برعلاوهء سران هجده کشور جهان، نمایندگانی از سازمان های مختلف بین المللی از جمله اتحادیهء اروپا، نمایندهء بانک جهانی و بانک آسیایی نیز اشتراک داشتند.

هدف از برگزاری این همایش، تعهد جدید کمک به افغانستان نبود بلکه فرصتی بود تا افغانستان بار دیگر در اذهان جهانی مطرح گردد و امید برگزار کنندگان این گردهمایی این بود تا کشور های تعهد کننده برای کمک به افغانستان، تعهدات خود را جدی بگیرند.

در این کنفرانس حامدکرزی رئیس جمهور کشور در مورد تحولات شش سال پس از کنفرانس بن و دست آورد های دولتش سخن گفت. وی گناه کاستی ها را به دوش ناامنی هایی انداخت که از خارج تمویل و حمایت می شود. کرزی خواست تا از مذاکرات هرچند ناکام حکومت با طالبان به عنوان یک دست آورد یادآوری نماید، اما به نظر می رسد که اکثریت کشور های اشتراک کننده در این گردهمایی که نیروهای نظامی شان در افغانستان مستقر هستند، از این که این حضور طولانی مدت باشد، نگرانند و به همین دلیل از دولت افغانستان مصرانه تقاضا نمودند تا تلاش نماید راه صلح و تفاهم با مخالفان مسلح در پیش گرفته شود. این تقاضا به صورت واضح به دولت افغانستان این پیام را داشت که کشور های خارجی نمی توانند سال ها منتظر بمانند که با نابودی مخالفان دولت افغانستان از راه نظامی، این کشور به صلح و ثبات دست یابد.

نگرانی کشور های اروپایی از طولانی شدن جنگ در افغانستان زمانی شدت گرفت که اعلام گردید بعضی از کشور ها به طالبان اسلحه می فرستند. فقط چند روز قبل از برگزاری این گردهمایی، خبرنگاران در افغانسان

ادامه در ص ۳

استاد ربانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان در همایش شورای اخوت اسلامی:

اخوت و برادری در اسلام یک شعار نیست بلکه یک استراتیژی است

الحمد لله الذی نصر عبده و أعز جنده و هزم الأحزاب وحده والصلاة و السلام علی من لا نبی بعده الذی بلّغ الرسالة و أد الأمانة و نصح الأمة و جاهد فی سبیل الله حق جهاده و علی آله و صحْبته و من دعی بدعوته و جاهد فی سبیله إلی یوم الدین.

در آغاز بایسته است صمیمانه ترین سپاس و شکران خود را از دستگاه های سمعی و بصری و ارگان های نشراتی ابراز نمایم که تصمیم گرفتند برای دفاع از ارزش های والای دینی و خدمت به اهداف بزرگ ملت مؤمن و متدین ما که همانا اخوت، وحدت، همبستگی و برادری است و برای خدمت به آرمان والای امت اسلامی که توحید خالق و وحدت مخلوق است **(إن هذه أمتكم أمة واحدة)** در این محفل اشتراک کنند. یقیناً در شرایط موجود ابتکار دوستان عزیز، یک ابتکار بسیار با ارزش است که برای ایشان از بارگاه ایزید منان دست دعا بلند می کنم، خداوند پاداش آنها را در دنیا و آخرت عطاء بکند. ما در زمانی به سر می بریم که بسا چهره های وابسته به دین و دعوت، تحت تأثیر تبلیغات سوء و تهاجم اجنبی می کوشند گفتار و لهجهٔ خود را تغییر بدهند و وانمود کنند که به صف دعوت گران دینی و حمایت گران ارزش های والای مذهبی تعلقی ندارند. تا نشود در فهرست نامطلوبی قرار بگیرند، اما افتخار به عزیزان حاضر که جرأتمندانه مطابق به فرمودهٔ الهی: **(و من أحسن قولاً ممن دعا إلی الله و عمل صالحا و قال إننی من المسلمین)** با افتخار و سربلندی مدعی می شوند که ما مسلمان هستیم و از دین و از ارزش های آن حمایت می کنیم. البته اخوت و برادری در اسلام یک شعار نیسّت بلکه یک استراتیژی است. ما می بینیم اولین گام عملی در جهت اخوت اسلامی را پیامبر گرامی صلی الله علیه و سلم وقتی که به مدینه مهاجر شدند، برداشتند و از این طریق نه تنها همبستگی و وحدت مسلمانان تقویه شد، بلکه بسا از مشکلات اقتصادی، اجتماعی مسلمانانی که از وطن و سرزمین شان آواره شده بودند و هیچ گناهی نداشتند جزء این که می گفتند خدای ما الله است **(إلا أن یقولوا ربنا الله)** با این حرکت پیامبر گرامی برای مسلمانان آموخت که، اخوت اسلامی یک درس نظری نیست بلکه یک پروگرام عملی است در ساختار حیات اجتماعی اقتصادی و سیاسی مسلمانان. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم همه آن عواملی که باعث تقویت اخوت و برادری می شد، از جمله محبت و دوستی میان مسلمانان را ایجاد می کرد. رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در احادیث قدسی فرمودند که در روز قیامت خداوند می فرماید: **(أین المتحابون بجلالي أليوم أظلهم بظلي یوم لا ظل إلا ظلي)** کجا هستند آنهایی که به نام جلال و عظمت من دوستی و محبت می کردند، بیایند امروز در سایهٔ رحمت خود آن ها را قرار می دهم، در روزی که سایه یی جزء سایهٔ من وجود ندارد. در حدیث دیگری فرمودند: **(و الذی نفسی بیده لا تدخلوا الجنه حتی تؤمنوا و لاتؤمنوا حتی تحابوا، ألا أدلكم علی شئ إذا فعلتموه تحاببتم، أفشوا السلام بینكم)** پیامبر می فرماید قسم به خدا که جان من به دست او است داخل بهشت نمی شوید مگر اینکه ایمان بیاورید و مسلمان حقیقی نمی باشید تا این که با یکدیگر محبت نکنید آیا شما را به چیزی راهنمایی کنیم که هرگاه آن را نجام دادید محبت میان شما برقرار می شود و آن این است که سلام را درمیان خویش رواج دهید. عامل دیگری که مسلمانان با هم دوست می شوند و احساس اخوت می کنند مسألهٔ ایثار و خود گذری است **(و یؤثرون علی أنفسهم و لو كان بهم خصاصةً)** یاران مهاجر پیامبر که اساس بزرگترین پیروزی را به رهبری پیشوای محبوب شان گذاشتند. عاملی که این پیروزی را به وجود آورد، برادری و ایثار بود. ایثار تا آن سطح بود که خانوادهٔ انصاری به خانوادهٔ مهاجر آواره می گفت، تو اکنون برادر من هستی، نصف خانه یا نصف مال من مربوط به تو می باشد. تو همسر نداری و من دو همسر دارم، یکی را طلاق می کنم تا به نکاح تو در آید، این را می گویند ایثار. در جانب مقابل مهاجر، بعد از اظهار سپاس می گوید مال و دارای ات نصیب تو باشد، من تنها یک همکاری می خواهم **(دلنی علی السوق)** کاری برای من پیدا کن تا من خودم کار بکنم و از آبلهٔ دست و عرق جبین خود چیزی به دست بیاورم، ما می بینیم آن چیزهایی که باعث اختلال محبت و اخوت می شود، پیامبر آن را نهی می کند و می فرماید: **(لا تحاسدوا و لاتباغضوا و لا تجسسوا و لاتناجشوا و كونوا عباد الله إخوانا)** حسد نکنید، غبطه جواز دارد اما تمنای زوال نعمت غیر را نکنید. در حدیث دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید که، **(الحسد داء الامم)** حسد طاعون امت ها است، مایهٔ تباهی ملت هاست، در حدیث دیگری فرمودند: **(إنها الحالقه لا تحلق الشعر و لكن تحلق الدین)** حسد تیغ است که موی را تراش نمی کند بلکه دین را تراش می کند. هر کسیکه حسد می کند گویا که دین را از قلب و ضمیر خود می تراشد و دور می اندازد. برادران مسلمان در قسمت مصئونیت جانی و مالی و به خاطر تحکیم اخوت، پیامبر اکرم ص می فرماید: **(المسلم أخ المسلم لایظلمه و لا یحقره و لا یخذله، كل المسلم علی المسلم حرام دمه و عرضه و ماله)** مسلمان در برابر مسلمان دیگر مسؤولیت کامل دارد، جان او مصئون است، خون او مصؤون، است شرف و حیثیت او مصئونیت دارد. البته ما امروز در جهانی بسر می بریم که پر از توطئه است، اما توطئه ها تازه نیست، از گذشته های دور، در گذرگاه تاریخ مسلمان ها هدف توطئه های دشمنان قرار داشتند اما، عمده ترین چالشی که بنیاد امت اسلامی را تکان می دهد اختلاف است. اختلاف مذهبی، اختلاف قومی، اختلاف های سلیقوی فکری و انواع اختلاف های دیگر. اختلاف مذهبی، عیب نیست بلکه، کمال اسلام را نشان می دهد، حریت فکر را در اسلام نشان می دهد. یکی از اصول اساسی در نظام فکری و سیاسی اسلام حریت فکری است، حتی حریت اعتقادی هم برای کسانی که تا هنوز مسلمان نشده اند، وجود دارد. انسان پیش از اسلام در انتخاب دین آزاد است، حتی پدر حق ندارد پسر خود را که هنوز مسلمان نشده است، به زور مسلمان کند. در مورد شأن النزول آیهٔ **(لا اكراه فی الدین)** مفسرین می نویسند در زمان هجرت مسلمانان به مدینه تعدادی از قبایل اوس و خزرج فکر می کردند که اگر یهودیان اطفال را تربیه کنند، عمر طفل دراز می شود، بناءً اطفال خود را به آنها می سپردند. یهودیان این اطفال را یهودی می ساختند. پس از این که دعوت اسلامی به مدینه منوره آمد، پدران و مادران این اطفال بر آنها فشار آوردند تا مسلمان شوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم از این عمل خبر شدند و **(لا اكراه فی الدین)** نازل شد که حکم می کرد شما نمی توانید به زور این کودکان را مسلمان سازید اما، می توانید آن ها را دعوت کنید. طوری که گفتم چیلینج خطرناک مسلمانان اختلافات است، اختلاف را کسانی به وجود آوردند که به اصول و ارزش های دینی عمیقا آگاهی نداشتند، یا هم در کشمکش های خونین، یکدیگر خود را تفسیق و تکفیر کردند. هنوز هم این مشکل در مواردی وجود دارد که، رسالت همهٔ ما به خصوص علماء بزرگوار ما این است که، هر طوری که شود این اختلاف را حل کنند تا بیشتر از این باعث ضعف و ناتوانی امت اسلامی و ملت مسلمان ما نشود. البته به نام قوم و زبان و نژاد هم اختلافات زیادی به میان آمده است که این اختلافات از جملهٔ دردها و مصیبت های بزرگ است که دامنگیر جهان اسلام شده است. اختلافات علت اصلی شکست دولت های بزرگ اسلامی از جمله دولت پیشرفتهٔ مسلمان در اندلس می باشد، مسلمانان هشتصد سال به عنوان یک مرکز قدرتمند فرهنگی در اندلس حکومت کردند. در آنجا اروپایی ها به تحصیل می آمدند، شهرهای اندلس به اندازه یی پیشرفته بود که یک مؤرخ انگلیسی می نویسد زمانی که، ما در قرطبه می رفتیم کوچه ها و جاده ها همه سنگ فرش بود، در آنجا حمام های خصوصی، باغ های زیبا و عمارات بسیار خوبی وجود داشت، اما چون به لندن بر می گشتیم، تا زانو در گل فرو می رفتیم، در همه لندن یک یا دو حمام عمومی وجود داشت. در آنجا حمام نکردن یک ارزش بود. یکی از کشیش ها گفته است که شصت سال است آب را بر بدن خویش نریختم. سر انجام این مرکز بزرگ تمدن اسلامی در نتیجهٔ تفرقه و کشمکش سیاستمداران از میان رفت، متأسفانه امروز کشورهای ما میدان جنگ قرار گرفتند، روزانه ده ها و صدها مسلمان در گوشه های مختلف جهان توسط جنگ های تحمیلی کشته می شوند. اما باز هم می شنویم که یک وزیر خارجه طبل جنگ می نوازد و می خواهد باز جنگ دیگری در کشورهای اسلامی در بگیرد. می دانیم که چه نیت هایی وجود دارد. پس ما نباید بیش از این اجازه بدهیم که اختلافات باعث نفوذ دیگران در کشورهای ما شود و جنگ و کشمکش هایی خونین را به میان بیاورند. من امید وار هستم که در این ماه مبارک این اقدام، دولت مستعجل نباشد بلکه یک اقدام نیک باشد که به تعقیب آن قدم ها و برنامه هایی دیگر نیز روی دست گرفته شود.

دوست های عزیز از شما صمیمانه اظهار سپاس می کنم. **اقول قولی هذا أستغفر الله لي ولكم**

و السلام علیكم و رحمة الله و بركاته

رسالت همهٔ ما به خصوص علماء بزرگوار ما این است که، هر طوری که شود این اختلاف را حل کنند تا بیشتر از این باعث ضعف و ناتوانی امت اسلامی و ملت مسلمان ما نشود. البته به نام قوم و زبان و نژاد هم اختلافات زیادی به میان آمده است که این اختلافات از جملهٔ دردها و مصیبت هایی بزرگ است که دامنگیر جهان اسلام شده است

***

یکی از اصول اساسی در نظام فکری و سیاسی اسلام حریت فکری است، حتی حریت اعتقادی هم برای کسانی که تا هنوز مسلمان نشده اند، وجود دارد. انسان پیش از اسلام در انتخاب دین آزاد است، حتی پدر حق ندارد پسر خود را که هنوز مسلمان نشده است، به زور مسلمان کند

بازتاب نگرانی های جهانی ...

به دیدن سلاح هایی فراخوانده شدند که از جنگجویان طالب به دست آمده بود و شامل سلاح های ایرانی و روسی و چینی بود. اروپایی ها نگران از آنند که اختلاف میان امریکا و ایران بر سر جنجال هسته یی آن کشور موجب دخالت بیشتر ایران در قضایای افغانستان گردد وبه این ترتیب طالبان توان بیشتر نظامی به دست آورند، مناطق بیشتری را تحت کنترل درآورند و تولید مواد مخدر بیشتر گردد.

یکی از فرماندهان ناتو که از طریق کنفرانس ویدیویی با شرکت کنندگان این اجلاس سخن گفت خاطر نشان ساخت که اردوی ملی افغانستان تا چند سال آینده نیز توان مقابله با مخالفان را نخواهد داشت. وی گفت تعداد نیروهای مسلح افغانستان فقط پانزده هزار نفر است و قرار است تا سال ۲۰۱۰ میلادی این تعداد به هفتاد هزار نفر برسد. تا زمانی که اردوی ملی توان دفاع از کشور را به دست نیاورده است، نمی توان افغانستان را به حال خود رها کرد.

همزمان با این رخداد، دز براون وزیر دفاع انگلستان نیز طی سخنانی از طالبان به عنوان نیرویی که نمی توان آنان را نادیده گرفت یاد کرد و گفت اگر در افغانستان نمی توانند یک نظام سیاسی به شیوهء غربی به میان آورد، منافع ما ایجاب می نماید تا نظامی که با عنعنات و اعتقادات دینی مردم این کشور مطابقت داشته باشد به میان آید.

براون که در کنفرانس سالانهء حزب حاکم کارگر سخن می گفت اضافه کرد بعید به نظر می رسد که اندیشهء طالبان پدیدهء گذرا باشد همانگونه که حماس از صحنهء سیاسی در فلسطین کنار نهاده نشد. وی گفت هرگونه تلاشی که در آینده برای حل بحران افغانستان صورت می گیرد باید مطابق به قوانین اسلامی باشد.

سخنان براون به این دلیل دارای اهمیت است که انگلستان نزدیک ترین متحد ایالات متحدهء امریکا در مبارزه علیه تروریسم به شمار می آید. این سخنان نشان می دهد که ناتو از این که بتواند در چند سال محدود به شکست و نابودی طالبان در افغانستان موفق گردد مطمئن نیست و دوام این وضع برای ناتو یک جنگ فرسایشی را از نوعی که اتحاد شوروی در افغانستان به آن مواجه شد، در قبال خواهد داشت.

در گردهمایی نیویارک حامد کرزی از تلاش های حکومتش برای تفاهم با طالبان سخن گفت. وی گفت که با طالبانی به مذاکره خواهد پرداخت که با القاعده پیوند نداشته باشند و این گروه در میان طالبان اکثریت هستند.

رئیس جمهور کرزی مشخص نساخت که این گروه اکثریت را چه کسی رهبری می کند. تا آنجایی که از شواهد بر می آید، تاکنون هیچگونه اثری از انشعاب در میان طالبان به مشاهده نرسیده است.

این که طالبان درگیر جنگ به دو گروه طرفدار القاعده و مخالف القاعده تقسیم شده باشند تصوری است که هنوز در عمل تحقق نیافته است. طالبان مسلح، تحت فرمان ملا محمد عمر و متحد سرسخت القاعده هستند و اگر قرار باشد طالبان را به عنوان یک قدرت در افغانستان به شمار آوریم و با آنان راه صلح و تفاهم در پیش گرفته شود، معضل پیوند این گروه با القاعده چگونه حل خواهد شد؟

به نظر می رسد که افغانستان نه تنها به بن بست نظامی مواجه است، بلکه از نظر سیاسی نیز عین مشکل وجود دارد.

در همایش نیویارک بانکی مون دبیر کل سازمان ملل از پیشرفت های افغانستان در طول شش سال گذشته ستایش نمود و این ستایش می تواند تقدیر از کشور هایی تلقی گردد که در طول سال های گذشته با افغانستان کمک کردند. هرچند مردم افغانستان در کشور خویش نشانی از پیشرفت در حدی که این همه شایان ستایش باشد نمی بینند.

رمضان ماه خداست

عبدالاحد تارشی



لحظه ها می آیند
لحظه هایی که به تن
روح پاکیزه ترین نوع طهارت دارند
عطر خوشبوی ترین نوع نماز
وقداست دارند
***
لحظه ها می آیند
لحظه هایی که به تاریک ترین شب حتی
می توان..
خون تابنده ، خورشید به رگهاشان دید
صد سحر نور به سیماشان دید
***
لحظه ها می آیند
صد فلک نور الهی بر دوش
وزمان با همه، ثروت خویش از انوار
به گدایی به در نیمه شب روشن شان می ایستد
تایکی جلوه یکی بارقه یک تابش ازان گیرد وام
***
لحظه ها می آیند
وبه سرسبز ترین باغ دعا همچو نسیم
تن خود می سایند
وزشاداب ترین گلشن ایمان وخلوص
دامن خویش پر از لاله وگل می سازند
وزسیراب ترین چشمه ، اشک
جانفزاینده ترین آب بقا می نوشند
***
لحظه ها می آیند
کوله باری بردوش
که بود نام شریفش رمضان
کوله باری زتقدس زتبرک زشکوه
وازان سوی زمان
وازان سوی مکان
زحضور رحمان
***
رمضان می آید
دست بردست ملایک به زمین می گردد
و در خانه، هر عاشق دل سوخته را می کوبد
تاشود مهمانش..
به سرشکش.. به دعایش..
به جگرسوز ترین ناله، یارب هایش
***
رمضان می آید
وبهشت..
بهترین رویش خود را به چمنزار سحرهای سفیدش بیند
ورضای رحمان..
زین چمنزار گل خوب ترین نوع عبادت چیند
***
رمضان می آید
تشنگی های ترا ایمانت
بهر سیراب شدن می نوشد
برف انبوه گناهانت را
آتش عشق تو تا آب شدن می نوشد
***
رمضان می آید
برسر سفره، جوع تو ثواب
می شود مهمانت
تا تناول کند از نعمت رنگین قبول
که بود برخوانت
***
رمضان ماه خداست
که زدروازه، هرثانیه اش
می توان داخل دربار بزرگش گردید
ودوصد باغ گل سجده، آمیخته با شبنم اشک
هدیه، بندگی خویش به دربارش برد
وز گلستان حضورش چمنی از گل رحمت را چید
و..
می توان..
به بهارینه ترین دشت قبول
تخم پربارترین توبه نهادن درخاک
وبهشتی چیدن
به شکوه افلاک
***
رمضان دریایی است
همه طوفان همه موج
وبود بستر آن
نه حضیض پستی
که بلندای عروج
که سرافراز ترین قله، اوج
ودرآن رحمت ایزد جاریست
جان فزاینده تر از آب حیات
موج خیزنده تر از بحر فلک
وتو این رود خروشنده، طوفانی را
می توانی به دل قطره، اشکی ریزی
وبگویی که توان بحر خروشانی را
در دل کوزه، تنگی جا داد
وچنین اسلحه، آبی را
می توان برد به کار
در هجومی به سپاه آتش
در خطرناک ترین معرکه در روز شمار
وتوان شد غالب
به قشون آتش
که بود سخت موی و سرکش
مگر اورا نبود طاقت رویارویی
با سرشکی خونین
که به شام رمضان
می فتد از مژه، سوخته جانی به زمین
مگر اورا نبود طاقت رویارویی
با دعایی که به عطر سحر ماه صیام آمیزد
وزدل غمزده یی در دل شب برخیزد
***
گر به باغ شب قدر
گل خوشبوی عبادت کاری
تا سحر خواهی دید
با نگاه دل خویش
که ملایک زحضور رحمان
به تماشای چمنزار تو خواهند آمد
نوریان فلکی بهر خریداری نور
بی گمان جانب بازار تو خواهند آمد
***
اندرین ماه عظیم
آسمان ها همه را
کهکشان ها همه را
سینه، سوخته، سوخته جان ها همه را
ذوب در کوره، عشق ازلی بنمودند
تا بسازند ازآن
نردبانی از نور
ونهندش زدل عاشق خاک
تا به آن سوی جهان خلقت
تا به آن سوی دیار افلاک
که قدم رنجه نماید به زمین حضرت قرآن کریم
زگلستان ازل وزچمن عرش خداوند رحیم
***
در سحر های سفید رمضان
گر دلت شبنم اشکی گردد
وبریزد به گل صفحه، قرآن بزرگ
یورش رویش انواع بهاران عبیر افشان را
دشت پائیزی جان تو عیان خواهد دید
پیکر توبه، خود شسته به دریاچه، عطر رمضان خواهد دید
مغفرت را زپی شاهد اخلاص تو چون عاشق دل سوخته یی
جانب خانه، قلب تو روان خواهد دید
***
رمضان ماه خداست
رمضان را دریاب
رمضان را دریاب

چند شعر به مناسبت دوازدهم میزان سالگشت شهادت ققنوس شعر، قهار عاصی

دیار نازنین من

دیار نازنین من
خیالِ من یقینِ من
تو مهرِ آتشینِ من
بهشتِ هفتمینِ من
دیارِ نازنینِ من
کوه و کمر غلام شان
چه آفتاب و آتشی
قیامتی، قیامِ شان
چه مردمانِ سرکشی
شهادت و مراد را
به گوشِ سنگ، سنگِ خود
چه سخت نعره می کشد
گلوی سرزمینِ من
به خانه خانه رستمی
به خانه خانه آرشی
برای روزِ امتحان
دلاوری، کمان کشی
چه سرفراز ملتی
چه سربلند مردمی
که خاکِ راه شان بود
شرافت جبینِ من

ملت من

این ملت من است که دستان خویش را
بر گرد آفتاب کمربند کرده‌است
این مشتهای اوست که می‌کوبد از یقین
دروازه‌های بسته تردید قرن را
ایمان بیاورید!
تنهاترین پیامبر
اینک
ملتم
با آیه‌های خشم خدا قد کشیده‌است
این ملت من است که تکرار می‌شود
با نام انسان
با واژه عشق
این اوست، اوست، اوست
که شیپورهاش را
شیپورهای فتح پیام‌آشناش را
آورده در صدا
بیدار می‌کند
هشدار می‌دهد

اگر می شد

اگر می شد که دردم را برایت گریه می کردم
زمین و آسمان را پیش پایت گریه می کردم
جوانی را وفا را عشق را دیوانگی ها را
به نام آرزو در یک لقایت گریه می کردم
اگر می شد نماز عشق را پیشت ادا کردن
دو زانو می نشستم از جفایت گریه می کردم
لبانت گر به تکلیفی ز نامم داغ می آمد
گل سرخی به تمهید صدایت گریه می کردم
اگر عیبی ترا نسبت نمی شد در تقلایم
بد آموزانه بر درب سرایت گریه می کردم

اثرات جنگ بر غیرنظامیان

ابوبکر سبزوار



سازمان ملل در این اواخر از تأثیرات منفی جنگ در افغانستان روی مردمان غیرنظامی این کشور هشدار داده است

یکی از مصیبت بار ترین ابعاد هر جنگی صدمه یی است که بر غیرنظامیان می رسد. بمباران های کور، به توپ بستن خانه ها و روستا ها، گیرافتادن غیرنظامیان در جریان درگیری میان دو طرف درگیر ومسایلی از این قبیل.

سازمان ملل در این اواخر از تأثیرات منفی جنگ در افغانستان روی مردمان غیرنظامی این کشور هشدار داده است. بنابر این گزارش، جریان مهاجرت ها از مناطق جنگ زده در حال افزایش است. در این گزارش از این که مؤسسات امداد رسان نمی توانند به مناطق جنگ زده به منظور کمک به مردمان نیازمند دسترسی داشته باشند، ابراز نگرانی شده است.

آنچه که مؤسسات مربوط سازمان ملل در مورد تأثیرات جنگ بر مردم افغانستان گزارش داده اند، مسألهء تازه یی نیست. مردم ما در طول چند دهه جنگ با چنین مصایبی دست به گریبان بوده اند. مردم مناطق ناامن کشور هم از طرف نیروهای خارجی هم از جانب ارگان های محلی دولتی در محل و هم از جانب مخالفین آنان تحت فشارند. مردمی که به امید ساختن یک زندگی جدید از مهاجرت برگشته اند اکنون خود را مجبور می یابند تا مجدداً کشور را ترک نمایند. این بار ترک کشور برای آنان بسیار مشکلتر است زیرا دیگر برنامه های لازم برای کمک به آنان در کشور های همسایه وجود ندارد. این مسأله موجب می گردد تا مردم بیشتر به جا به جایی های داخلی فکر کنند و این خود پیامد های اجتماعی را در قبال خواهد داشت.

بمباران های بی هدف و کشتار غیرنظامیان اکنون به برنامهء هرروزهء نیرو های خارجی در افغانستان مبدل گردیده است. خبرنگاران بی طرف که بخواهند واقعیت ها را منعکس سازند نمی توانند به این مناطق بروند و در نتیجه یا اصلاً خبر این کشتار ها به گوش کسی نمی رسد ویا این که باید فقط به اخبار شهود عینی اعتماد کرد. در خبرنامه های نیروهای ائتلاف و یا دولت افغانستان فقط از کشته شدن طالبان سخن گفته می شود اما نمی گویند که در بمبارانی که ده ها طالبی که در مناطق مسکونی قرار دارند چه تعداد غیر نظامی کشته شده است.

ماموران دولتی در چنین مناطقی نیز مشکلاتی زیاد برای مردم خلق می کنند. گزارش هایی از چپاول خانه های مردم نیز می رسد که در مواردی پس از عملیات نظامی علیه مخالفان، پلیس به غارت خانه ها پرداخته است. در چند ماه قبل به دنبال عملیاتی در ولسوالی سنگین از طرف نیروهای ائتلاف و نیروهای دولتی، مردم شکایت داشتند که اموال آنان به غارت رفته است.

بسیاری از کسانی که در مناطق ناامن جنوب به کار گماشته می شوند، کسانی اند که صرفاً به منظور خدمت به کشور به استقبال خطر نرفته اند بلکه انگیزه های مادی نیز دارند. عدم حاکمیت قانون و خود سری های مقامات دولتی از دلایل دیگری است که مردم را تحت فشار قرار داده و چنان فاصله یی میان دولت و مردم به میان آورده است که دیگر از میان بردن آن کار آسانی نیست.

اما تنها نیروهای خارجی ویا مقامات دولتی نیستند که مردم را تحت فشار قرار داده اند. فشار های طالبان بر مردم نیز یکی از انگیزه های جا به جایی مردم به شمار می رود. به عنوان مثال مردم در ولایت غزنی از این شکایت دارند که گروه هایی از طالبان به روستاها می آیند و در خانه های مردم تقسیم می شوند. مردم مجبورند تا برای آنان غذا تهیه کنند در حالی که روستاییان به مشکلات اقتصادی مواجهند.

اما مشکل مردم با طالبان تنها در همین حد خلاصه نمی شود بلکه آن ها از مردم می خواهند تا هرنوع رابطهء خود را با دولت قطع نمایند. کسانی که کار دولتی دارند و در این مناطق زندگی می کنند باید از کار دست بکشند وگرنه ممکن است کشته شوند. طالبان از چهار سال قبل که در جنوب کشور فعالیت های خود را منظمتر ساختند، با پخش توصیه نامه های تهدید آمیز، به مردم هشدار دادند که همکاری آنان با دولت می تواند برای آنان خطرات جدی درقبال داشته باشد.

کسانی که حتی به شغل معلمی هم اشتغال داشتند مجبور شدند یا از منطقه فرار کنند ویا این که از کار دست بکشند. بیشتر کسانی که مجبور به ترک شغل شده اند کسانی اند که توان ترک محل و زندگی در مناطق تحت کنترل دولت را ندارند.

طالبان با ممانعت از رفتن اطفال به مکتب، برای خانواده ها در جنوب مشکل جدی خلق کرده اند. خانواده هایی که نمی خواهند فرزندان شان بی سواد باقی بمانند مجبور به ترک محل می شوند. این خانواده ها یا به مراکز شهرها در داخل می روند ویا در صورتی که توان مالی شان اجازه بدهد به پاکستان مهاجر می شوند. شهر های بزرگ کشور فاقد ظرفیت های لازم برای جا دادن چنین جمعیت است و این وضع مشکلات شدید اجتماعی و مشکلات ناشی از تراکم جمعیت در شهر های بزرگ را بار می آورد.

بنابراین می بینیم که هرچند دامنهء جنگ هنوز به شهر های بزرگ کشیده نشده است اما از عواقب ناگوار جنگ در مناطق روستایی و دور دست، شهرهای کشور نیز بی نصیب نمی مانند. بار این جنگ را همه به دوش می کشند و هیچکس نمی تواند بگوید که چون این جنگ به دور از خانه و روستا و شهر من در جریان است بنابر این رابطه یی با من و زندگی من ندارد.

نگاهی به پیشینه و ادامهٔ بی ثباتی

موجود در کشور و راه حل عملی آن

فدا محمد فایض

بی ثباتی سیاسی در کشور، از آغاز دههٔ دموکراسی که به دههٔ قانون اساسی نیز شهرت دارد، آغاز گردید

***

مردم افغانستان نیاز به صلح، آرامش و یک زندگی انسانی دارند و خواست شان در قدم اول از دولت همین است

با توجه به جریانات سیاسی افغانستان، بی ثباتی سیاسی در کشور، از آغاز دههٔ دموکراسی که به دههٔ قانون اساسی نیز شهرت دارد، آغاز گردید، دورهٔ صدارت محمد هاشم خان که با پادشاهی نادرشاه ۱۳۰۸ه ش آغاز گردید تا ۱۳۲۵ه ش ادامه یافت و همراه با اعمال فشار و زور به پیش رفت. وقتی خاندان سلطنتی متوجه شد که اعمال فشار بیشتر مشکل ساز است. محمد هاشم خان را که سرکردهٔ خانوادهٔ سلطنتی بود به قبول استعفی متقاعد ساخت، هاشم خان کنار رفت و مقام صدارت عظمی را به شاه محمود خان واگذاشت، موصوف با اعلان یک دموکراسی نیم بند و آزادیهای نسبی خشم به غلیان آمدهٔ مردم را تا حدی فرو نشاند، اما به زودی دوباره این دموکراسی را کنار نهاد و دکتاتوری پیشین از سر گرفته شد. این حالت تا ۱۳۳۲ه ش دوام کرد. در این سال با اعلان استعفای شاه محمود، محمد داود پسر عم و شوهر همشیره شاه به حیث صدر اعظم تعیین شد. اما بعداً شاه محمود اظهار داشت بدون آنکه اطلاع قبلی داشته باشد اعلان استعفای خود را شنید. سردار داود خان هم به شیوهٔ کاکایش هاشم خان یک دهه کشور را اداره نمود ولی در همین دوران اختلافات سیاسی و خانوادگی بین ظاهر شاه و داود افزایش یافت تا آنکه داود خان مجبور به استعفا از پست صدارت گردید.

شاه تشکیل لویه جرگه، تسوید و تصویب قانون اساسی جدید را مطابق به نیازهای زمان یگانه راه حل مشکلات دانست. تسوید قانون اساسی از طرف یک کمیسیون موظف صورت گرفت و از طرف لویه جرگه تصویب گردید(۱۳۴۳) ولی با آن هم شاه از یک طرف دوام سلطنت در خانواده خود را تسجیل نمود و از پذیرش مسئوولیتها شانه خالی کرد، و از طرف دیگر، با آنکه قانون احزاب از طرف شورا تصویب گردیده بود از توشیح آن خود داری نمود، بدینگونه زمینه برای فعالیتهای احزاب سیاسی بصورت غیر قانونی مهیا گردید، تا جایی که ارزشهای اعتقادی مردم افغانستان مورد استهزاء قرار گرفت. بدین ترتیب دموکراسی آهسته آهسته بسوی انارشی قدم بر میداشت. یکی از دوستان از قول محمد موسی شفیق آخرین صدر اعظم دهه دموکراسی که از بینش بسیار عمیق سیاسی برخوردار بود، برایم قصه کرد، که تقریبا یک هفته قبل از سقوط رژیم شاهی، شفیق مرا به صدارت فرا خواند و ضمن صحبتها برایم گفت که نظام سلطنتی در آستانه فروپاشی است و من هر چه به شاه گفتم قبول نکرد، یک هفته بعد کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ صورت گرفت. علت اساسی کودتای ۲۶ سرطان به نظر بنده چند چیز بود:

۱- تشدید بیش از حد اختلافات بین شاه و داود خان.

۲- تضادهای درون نظام، در نتیجهٔ این تضادها همهٔ صدر اعظمان این دوره یکی پی دیگری مجبور به استعفا شدند.

۳- علاقه مند شدن بیشتر اتحاد شوروی به مداخله در امور داخلی افغانستان، گرچه داود خان یک آدم ملی بود ولی کمونستها اعضای حزب دموکراتیک خلق، بیشتر به دور او جمع شدند و در کودتا او را همراهی کردند، چنانچه فیض محمد، پاچا گل وفادار، اسلم وطنجار، گلاب زوی و تعداد دیگری از افسران اردو منسوب به جناح چپ او را همراهی کردند. در حقیقت کودتای ۲۶ سرطان راه را برای مداخله مستقیم اتحاد شوروی باز میکرد. وقتی سردار محود داوود خان در سال اخیر ریاست جمهوریش درک کرد که مطرح کردن کمونیست ها در نظام یک اشتباه بزرگ سیاسی او بوده است، دست به تلافی اشتباه خود زد ولی دیر شده بود. برخورد او با بریژنیف در آخرین سفرش به مسکو، دیگر گلیم اقتدار او را درهم پیچید و از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۱ کشور تحت نفوذ مستقیم مسکو قرار گرفت.

روس ها در زمان نفوذ خود سعی کرند، زمینهٔ تفرقه را بین اقوام افغانستان ایجاد نمایند و فاصله ها را بیشتر کنند، چنانچه به خصوص بعد از اجرای کودتای ثور ۱۳۵۷ این اختلافات بیشتر گردید و ببرک کارمل، تره کی و حفیظ الله امین در رأس این اختلافات قرار گرفتند و بعد از کشته شدن امین همهٔ این اختلافات از بین نرفت.

اکنون با توجه به خطراتی که متوجه تمامیت ارضی و منافع ملی افغانستان می باشد، زمان آن فرا رسیده است که با کنار گذاشتن عصبیت های ناروا که هیچگونه درد جامعهٔ ما را دوا نمی کند، وحدت ملی خویش را تحکیم بخشیم و به بی ثباتی پایان دهیم. هنوز هم عصبیت های گوناگون سیاسی، عقیدتی و امثال آن نمی گذارد قدم های متینی در راه آوردن صلح و ثبات به کشور برداریم.

بدون شک مردم افغانستان دیگر از جنگ خسته هستند در طی سی سال گذشته حتی در افغانستان نظام سیاسی به معنای واقعی کلمه تحت سوال بود، حزب دمکراتیک یک میلیون افغان را از روی عقده های ایدئولوژیک خود و به خاطر حفظ منافع روس ها از میان بردند.

جلسهٔ بن موفق نیست؛ حاکمیت قانون وجود ندارد، اختطاف ها و دزدی های علنی صورت می گیرد، فساد اداری به اوج خود رسیده، کشمکش های ناشی از عقده های گوناگون بین جناح های سیاسی موجود در دولت در جریان است. بیکاری بیداد می کند، جنگ مخالفین با دولت مشکل عمدهٔ دیگر است و دولت هم بدون آن که کاری از دستش ساخته باشد به تماشای این همه بیدادها نشسته و بر اساس ضرب المثل پشتو: "مور د وږی حال څه خبر دی او سپور د پلی" کاخ نشینان اقتدار چه می دانند که مردم در دور ترین نقاط بدخشان و فاریاب، هلمند و ارزگان، بادغیس و نیمروز چه حالتی دارند، پس در این صورت چه باید کرد؟

مردم افغانستان نیاز به صلح، آرامش و یک زندگی انسانی دارند و خواست شان در قدم اول از دولت همین است، حال بیایید ببینیم از کدام راه به این هدف مقدس رسیده می توانیم، دولت با آن که جامعهٔجهانی را در کنار دارد. شش سال است که در جنگ با مخالفین می باشد ولی هیچ دست آوردی نداشت و ندارد. ماقیای مواد مخدر، اختطاف، غارت آثار تاریخی و امثال آن ادامه دارد و دولت جلو هیچکدام آن را گرفته نمی تواند، به نام اصلاحات نیز آنچه به عمل می آید بدون ضیاع وقت چیز دیگری نیست.

کشور بیشتر به سوی انارشیزم خواهد رفت که عواقب آن نگران کننده است، فکر می کنم تلاش به خاطر تقویت روحیهٔ وحدت ملی، اصلاحات اداری به معنای واقعی آن نه شکلی، طرد فسادها به خاطر تحمیل افراد در پست های حساس دولتی، باید در اولویت های کاری دولت قرار داشته باشد.

ریش گذاشتن و ریش تراشیدن
در دیروز و امروز

همنوا

در این جا سخن از حکم شرعی گذاشتن ریش و ثواب و عقاب گذاشتن و تراشیدن آن نیست بلکه نگاهی است گذرا به تحول رونما شده در سر و صورت تعدادی از افراد معروف جامعهٔ ما در دیروز و امروز!

در سال های قبل از جهاد اکثریت افرادی که تحصیلات رسمی دینی داشتند و به خصوص فارغان دانشگاه الازهر مصر بودند؛ ریش نمی گذاشتند و حتی بعضی از آنان به نام مولوی و مولانا نیز یاد می شدند!

از چهره های شاخص نهضت اسلامی افغانستان در آن سال ها، فقط شهید مولوی حبیب الرحمن و شهید دکتر محمد عمر و همچنین مرحوم پوهاند دکتر سید محمد موسی توانا و قاضی محمد امین وقاد ریش گذاشته بودند.

از جمع رهبران جهاد نیز مرحوم مولوی محمد یونس خالص، مرحوم مولوی محمد نبی، حضرت صبغت الله مجددی و شیخ محمد آصف محسنی در دوران قبل از جهاد نیز ریش داشتند و استاد سیاف، در زندان داوود خان و استاد ربانی، انجنیر حکمتیار و پیر سید احمد گیلانی پس از مهاجرت ریش گذاشتند و چند شخصیت دیگر و از جمله احمدشاه احمدزی، دکتر نجیب الله لفرایی، دکتر ذبیح الله مجددی قبل از پیوستن به مرکز مجاهدین در پیشاور و حین اقامت و یا تحصیل و تدریس در خارج، ریش گذاشته بودند.

در سال های اول جهاد ریش گذاشتن به صورت تدریجی سیر صعودی داشت و با گذشت هر سال به تعداد ریش داران افزوده می گردید، تا جایی که تعداد افراد ریش تراشیده در دفاتر متعدد در سازمان های جمعیت اسلامی، حزب اسلامی، حزب اسلامی مرحوم مولوی خالص، اتحاد اسلامی و حرکت های انقلاب اسلامی از شمار انگشتان یک دست تجاوز نمی کرد ولی در سازمان های محاذ ملی و جبههٔ نجات ملی، تعداد ریش تراشیده ها کم نبود. همچنین در سطح مهاجرین مقیم در اردوگاه ها و شهرها نیز اکثریت قریب به اتفاق آنان را ریش داران تشکیل می داد.

گذاشتن ریش علاوه بر حکم شرعی و سنت بودن آن به یک رسم عام در جمع مهاجرین و مجاهدین مبدل گریده بود و در داخل کشور نیز در جبهات جهادی و مناطق آزاد، اکثر مجاهدین و مردم ریش می

جای تعجب و تأسف است که آنهایی که سال ها در صف جهاد بودند و ریش داشتند و به ریش هم اعتقاد دارند ریش های شان را تراشیده اند، تعدادشان زیاد است!

گذاشتند.

در محیط های مهاجرت در دو کشور همسایهٔ ما (پاکستان و ایران) ریش گذاشتن مد شد و گسترش یافت.

در ایران به دلیل پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت علمای مذهبی و در پاکستان بنا بر رو آوری تعداد قابل توجهی از مردم به رسوم و سنت های دینی ریش گذاشتن قوت گرفته است.

اما در کشورما پس از پیروزی مجاهدین و تشکیل دولت اسلامی به تعداد ریش دارها و به خصوص مأمورین دولت افزوده شد و جالب این است که آن عده از مأمورین سابقه دار دولت که در همه رژیم ها خدمت کرده بودند، تازه ریش می گذاشتند ولی تعدادی از مجاهدین ریش دراز که به کشور برگشته و در دولت به مقام هایی رسیده بودند، به کم کردن ریش ها پرداختند و حتی آن را ماشین نمودند!

در دوران حاکمیت طالبان، بنا بر قوانین سخت گیرانهٔ آنان، گذاشتن ریش در قلمرو شان اجباری بود و فقط به تازه واردان مهلت داده می شد تا ریش های شان را بگذارند تا به اندازهٔ قابل قبولی دراز شود یکی از وظایف عمدهٔ افراد مسلح ادارهٔ امر به معروف و نهی از منکر ادارهٔ طالبان، اندازه گیری طور و حجم ریش مردان بود و متخلفین با شلاق و حبس، به اصطلاح آنان تأدیب می شدند.

با ورود قوای خارجی و سقوط حاکمیت طالبان، موج ریش تراشی در کشور و به خصوص در شهر کابل فزونی گرفت و آنانی که به اجبار ریش گذاشته بودند، در همان روزهای نخست اقدام به تراشیدن آن نمودند. اما در اکثر شهرها و ولایات کشور حتی آنانی که تحت اجبار ادارهٔ طالبان، ریش گذاشته بودند، پس از سقوط آن اداره نیز همچنان ریش دار باقی ماندند و می گفتند: هر چند ریش گذاشتن را بر ما تحمیل نمودند ولی چون سنت پیامبران است، قصد تراشیدن آن را نداریم و تراش آن را باعث ننگ و خجالت می دانیم. واقعاً مردم ما نیز کسانی را که ریش می تراشند؛ زیاد بد نمی بینند ولی آنانی را که ریش گذاشته و بعد آن را تراشیده اند، بسیار بد می بینند. در جمع ریش تراش هایی که قبلاً ریش گذاشته بودند، نیز باید میان آنان فرق قایل شد: یکی کسانی اند که اصلاً ریش را دوست نداشتند و به احکام دینی نیز پابند نبودند و با فرا رسیدن زمان مناسب با عجله به تراشیدن آن اقدام نمودند و از این که امروز ریش ندارند، بسیار خوشحالند و افتخار می نمایند! و دیگر کسانی اند که ریش را بد نمی پندارند ولی ریش دار بودن در شرایط دموکراسی و حضور قوای خارجی و رسیدن به مقام و منصب و کاریابی در مؤسسات خارجی را مناسب نمی دانند و فکر می کنند که ریش مانع رسیدن آنان به مقام و نام و نان خواهد بود. این افراد از این که ریش تراشیده اند به میزان متفاوت ـ احساس شرم و خجالت می نمایند! به خصوص آنانی که در صف جهاد و یا در محیط های هجرت بوده و ریش گذاشته بودند.

آقای کرزی در سال های جهاد و زمانی که در دفتر جبههٔ ملی نجات کار می کرد، ریش می تراشید ولی بعدها ـ احتمالاً در دوران طالبان ریش گذاشت. همچنین آقای عبدالجبار ثابت (لوی سارنوال) در سال های اول ریش می گذاشتند ولی معلوم نیست که از چه زمانی ریش ایشان با این طول و عرض در آمده است!

امروز اگر رئیس پیشین دفتر آقای کرزی و سخنگوی یکی از وزارت خانه ها و چندین کارمند عالیرتبهٔ دیگر، که چند سال قبل با ریش ظاهر می گردیدند و امروز آن را تراشیده اند، جای تعجب نیست؛ زیرا معلوم نیست که تا چه حد آن ها به ریش و لزوم گذاشتن آن اعتقاد و باور دارند! ولی جای تعجب و تأسف است که آنهایی که سال ها در صف جهاد بودند و ریش داشتند و به ریش هم اعتقاد دارند ریش های شان را تراشیده اند، تعدادشان زیاد است!

تا هنوز شواهدی در دست نیست که قوای خارجی و یا کشورهای ذی نفوذ و یا ادارات دولت و یا مؤسسات خارجی، کسی را در امر پذیرش و یا گزینش به تراشیدن ریش مجبور ساخته باشند و یا از تقرر فرد ریش دار ابا ورزیده باشند! ...

نگاهی به کارنامه های پنج سال حاکمیت ...

همکاری با القاعده کارنامهٔ دیگر طالبان بود که، حادثهٔ نهم سپتامبر، ترور مسعود فرمانده مقاومت و قهرمان ملی افغانستان و یازده سپتامبر، حملات انتحاری علیه امریکا، محصول این همکاری بود و عواقب دردناکی برای افغانستان و جهان اسلام به ارمغان آورد. شکاف عمیق میان مسلمانان و غیر مسلمانان، ایجاد محدودیت های مختلف اقتصادی و اجتماعی و سیاسی برای گروه های اسلامی در جهان اسلام و جهان غرب و آمدن نیروهای خارجی به افغانستان و تبعات آن از پی آمدهای این حملات بود.

اکنون بعد از گذشت شش سال، طالبان دوباره در مناطق جنوب افغانستان، بعد از این پیروزی ها و شکست ها سؤال تحول طالبان مطرح گردیده است. صاحب نظران هنوز هم حمایت خارجیان مخصوصاً کشور همسایهٔ جنوبی ما را در تقویت این گروه مؤثر می دانند، رابطهٔ آنها را هم با بازی های بزرگ منطقه یی و جهانی نمی توان منتفی دانست. فکر می شود شرایط و عوامل بین المللی و منطقه یی و ساخت های فکری و وابستگی تباری، محدودیت هایی است که امکان تحول پذیری در این گروه را به دشواری مواجه کرده است اما روی هم رفته تجارب تلخ گذشته نشان می دهد که بحران ها و کشمکش های سیاسی و اندیشگی هرچند از سویی قابل تحمل و قبول نباشد، راه حل نظامی ندارد.

و اکنون زمان آن فرا رسیده است که با درس گیری از تجارب گذشته همه گروه ها و همهٔ مردم افغانستان برای سلامت و وحدت ملت و دولت افغانستان و آبادانی و سر افرازی آن ها تلاش ورزند و تلخ کامی های گذشته را تکرار نکنند.

رئیس جمهور ایران در امریکا ...

با لحن بی طرفانه تر و نرمتر بیان می کرد و در مورد مسایل مورد علاقهٔ خویش توضیح می خواست و یا این که، در پایان سخنرانی احمدی نژاد به صورت اکادمیک به نقد سخنان او می پرداخت.

این برخورد در برابر رئیس جمهور ایران، که میهمان دانشگاه کولمبیا بود، بحث مهمان داری و پرهیز از هتک حرمت وی مطرح گردیده است. بدون شک در اکثر فرهنگ های دنیا توهین کردن میهمان، کار ناپسند است، اما آیا فرهنگ و اخلاق امریکا اجازه می دهد کسی که دعوت شده و مهمان است، تحقیر و اهانت شود. اگر چنین رفتاری در فرهنگ امریکایی درست باشد، این یک اختلاف اساسی میان فرهنگ آن کشور و سایر فرهنگ ها، مثلاً فرهنگ اسلامی و یا شرقی می باشد اما، اگر در فرهنگ امریکایی نیز چنین کاری ناپسند باشد، پس رئیس دانشگاه کولمبیا مرتکب یک رفتار ناهنجار شده است.

بحث دیگری که به دنبال این حادثه در امریکا و ایران مطرح گردید بحث آزادی بیان است. در این شکی نیست که در امریکا ساحهٔ آزادی بیان گسترده است و مردم می توانند انتقادات تندی علیه مسؤولین و زمامداران عنوان نمایند، و بر همین مبنا، رسانه های امریکا هیچ انتقادی علیه آقای بالینجر عنوان نکردند. اما در اکثر کشورهای دنیا، توهین دیگران با استناد به آزادی بیان مورد قبول واقع نمی شود، در کشورهای اسلامی از جمله ایران نیز، توهین به آقای احمدی نژاد فراتر از آزادی بیان تلقی شد و برخی شخصیت های ایران آن را توهین ملت ایران وانمود کردند.

در مورد انگیزه و سبب توهین احمدی نژاد نیز بحث هایی صورت گرفته است. برخی علت اصلی اهانت رئیس جمهور ایران را تردید وی در مورد داستان هولوکاست می دانند، که با مخالفت شدید گروه های یهودی و دست راستی امریکا و کشورهای غربی رو به رو شد. رئیس دانشگاه کولمبیا هم به این موضوع اشاره داشت و گفت تو کسی هستی که در مورد هولوکاست شک داری. احمدی نژاد در پاسخ وی گفت علاقمند است روی این موضوع بحث بیشتر صورت بگیرد. او گفت، مسایل فراوانی مانند مسایل فزیک وجود دارد که مسلم است اما، روی آن بحث می شود.

عدهٔ دیگر فکر می کنند، اهانت به احمدی نژاد برنامهٔ حکومت جورج بوش است، چون وی قصد داشت در سفرش به امریکا میزان مخالفت جامعهٔ امریکا در برابر ایران و شخص خویش را کاهش دهد وی در نظر داشت به محل برج های فرو ریختهٔ مرکز تجارت بین المللی برود و به قربانیان یازده سپتامبر اظهار همدردی نماید، با رسانه ها مصاحبه کند و در دانشگاه کولمبیا سخنرانی نماید. باز دید وی از محل برج ها رد شد و سخنرانی وی در دانشگاه کولمبیا با سخنان رئیس دانشگاه رنگ دیگر گرفت.

رئیس جمهور بوش بعد از سخنرانی احمدی نژاد گفت: سخنرانی رئیس جمهور ایران در دانشگاه کولمبیا بیانگر آزادی بیان در امریکاست، اما این که این آزادی برای احمدی نژاد بود تا سخنرانی نماید یا برای رئیس دانشگاه کولمبیا بود که یک رئیس جمهور را توهین کند، در واشنگتن و تهران نظرات متفاوتی ارائه شده است.

زادی از رمضان

ترجمهٔ محمودالله فیروز

برگرفته از سایت اینترنتی اسلام آن لاین

خداوند خود حساب ثواب روزه را برای انسان که از لذات خوردنی ها و نوشیدنی های حلال دست می کشد تعیین نموده است چنانچه فرموده است: "همهٔ عمل بنی آدم از آن اوست مگر روزه، زیرا روزه از من است و من ثواب آن را می دهم".

نسائی



رمضان ماه مبارکی است که به فضل و کرم خداوند متعال اختصاص یافته است. در این ماه قرآن نازل شد تا بشر را به شاهراه هدایت رهنمون شود و او را به پیشرفت و تعالی یی که شایستهٔ مقامش است نایل سازد.

بزرگترین ویژگی ماه مبارک رمضان برنامهٔ تربیتی آن است که روح و جسم فرد و اجتماع به صلاح و رستگاری می گراید و انسان با گرفتن روزهٔ ماه مبارک رمضان دارای عزم، اراده، یگانگی هدف، پاکی نفس، آخلاص در طاعت و تصمیم به دعوت و جهاد می شود.

خداوند روزهٔ ماه رمضان را فرض گردانید تا نفس ها، آمادهٔ پذیرش حق و عدل گردند و در جهت اصلاح سلوک و اخلاق نیرومند تر حرکت نمایند؛ حرکتی که واقعیت جامعه را مطابق به ارزش های دینی متحول می سازد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم یارانش را به آمدن این ماه پر برکت چنین بشارت داده است: "ماه رمضان بر شما آمده است، ماهی است مبارک، فرض گردانیده شد برشما روزهٔ آن، در آن دروازه های جنت گشوده می شود، و دروازه های دوزخ بسته می گردد، شیاطین در آن به زنجیر کشانیده می شوند، شبی در این ماه است که از هزار شب برتر است، کسی که از خیر این ماه محروم بماند در واقع از همهٔ خیرها محروم مانده است". از این رو با مسلمانان تمام جهان از رسیدن این ماه که در آن مژدهٔ رحمت، رضوان، مغفرت، عفو و احسان خداوندی است، به خوشی و مسرت و گرمی استقبال می نمایند.

غزوات بسیاری، چون بدر و فتح مکه در این ماه به وقوع پیوسته است که در نتیجهٔ آن ها پایه های شرک و بت پرستی سرنگون و درفش توحید و یکتا پرستی، آزادی و عزت بر افراشته گردید. بنا بر این یاد این ماه با ایثار و شجاعت مؤمنان و مدد و نصرت خداوند همراه است و در معنی و مفهوم ان واژه های عبادت، جهاد و پیروزی یکجا شده است.

برای* انسان بایسته است تا در پایان این ماه مبارک نفس خود را محاسبه کند تا بداند که روزه گرفتن در رشد و کمالش تا چه حد مؤثر بوده است و او از آن چگونه بهره برداری کرده است و در آینده چه تأثیری بر زندگی اش خواهد گذاشت؟ بی جا نخواهد بود که به همین مناسبت برخی از تأثیراتی را که این ماه مبارک بر زندگی انسان ها می گذارد بر شماریم:

برای مسلمانان شایسته است بی آن که از رمضان حکمت و درس بیاموزند آن را به پایان نرسانند زیرا این ماه مبارک مملو از پند و حکمت است. در این ماه مؤمنان باید به ضعف و سستی خود آگاه شوند، راه های پیشرفت و تعالی را درک کنند. به خداوند پناه جویند و به قرآن چنگ زنند و حیات و سعادت خود را در آن جستجو کنند. این جاست که مسلمانان به فلاح و رستگاری دنیا و آخرت نایل خواهند آمد

۱-خداوند را در همه کارها حاضر و ناظر شمردن

یکی از تأثیرات مهمی که این ماه بر زندگی انسان ها می گذارد این است که انسان در تمام کارها خداوند را حاضر و ناظر می شمارد. زیرا خداوند خود حساب ثواب روزه را برای انسان که از لذات خوردنی ها و نوشیدنی های حلال دست می کشد تعیین نموده است چنانچه فرموده است: **(کل عمل ابن آدم له إلا الصيام فإنه لی و أنا أجزی به)** نسائی

"همهٔ عمل بنی آدم از آن اوست مگر روزه، زیرا روزه از من است و من ثواب آن را می دهم".

انسان در ماه مبارک رمضان بیشتر از هر وقت دیگر خداوند را در انجام کارها در نظر می گیرد از همین رو تأثیر بزرگ این ماه بر روزه دار این است که این حالت را در جریان یک سال برخویشتن ادامه بدهد و بر آن عادت نماید این جاست که قلبی پاک و بیدار به دست می آورد که در پیدا و پنهان پروردگارش را از یاد نمی برد. چنانچه در قرآن کریم در این مورد آمده است که لقمان حکیم برای پسرش چنین می گوید: "ای پسرک من، اگر عمل تو هموزن دانهٔ خردلی و در تخته سنگی یا در آسمان ها یا در زمین باشد، خدا آن را (در قیامت برای حساب) می آورد، که خدا بس دقیق و آگاه است". لقمان/۱۶

در ماه رمضان که ذهن ها به ناظر شمردن خداوند در اعمال تقویت می شوند، احسان و پایداری در عمل برای تمام مدت سال ضمانت می گردد. زیرا انسانی که خداوند را ناظر می داند، اعمالش را نیکو می سازد و بر دوام آن پایدار می ماند. "احسان آن است که خداوند را عبادت کنی چنان که او را می بینی. اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند".

احسان و عمل پایدار، نیاز مبرم فرد مؤمن است، زیرا پیشرفت و کمال جوامع اسلامی جز با بهره گیری از این دو اصل میسر نمی شود.

"سوگند به عصر، که انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را بر حق سفارش و به شیکبایی توصیه کرده اند".

عمل پایدار، امت مسلمانان را از دراز نمودن دست نیاز به جانب دشمنان باز می دارد. دشمنانی که انتظار تیره روزی او را داشته قصد دارند با توطئه های خطرناک و پنهانی میراث ارزشمند و پر افتخارش را نابود نمایند. بنا بر این، ناظر دانستن خداوند در انجام کارها که عمل صالح را در پی دارد، تمدن اسلامی را که برنامهٔ ایمان و اندیشهٔ دینی مسلمانان است از گزند دشمنان محفوظ می دارد و شگوفایی و کمال آن را ضمانت می کند.

۲- قرآن برای زندگان است نه مردگان

درس دیگری که از رمضان می آموزیم، زندگی در پرتو هدایت قرآنی است. زیرا قرآن در رمضان نازل شده است و مسلمانان بیش از ماه های دیگر به تلاوت آن همت می گمارند.

قرآن نازل شد تا معنی و مفهوم حیات سالم را به انسان، بیاموزاند و ضابطه های معنوی و ایمانی را بر زندگی اش حاکم گرداند.

به همان صورت که چراغ های ترافیکی با رنگ های مختلف در خیابان های عام نصب می شوند تا با روشن و خاموش شدن نظام تردد را در خیابان برابر گردانند، قرآن کریم نیز نازل شده است تا با ارشاد و راهنمایی هایش ضابطه و نظم را در تمام جوانب زندگی انسان حاکم ساخته صراط مستقیم فلاح و سعادت را بر او بنمایاند. لذا زندگی انسانی که به راهنمایی قرآن توجه کافی ندارد به ضعف و سستی می گراید، نا به سامانی و خلل تمام ارکان آن را نابود می سازد.

"ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فراخواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می گردد و هم نزد او مجشور خواهید شد". الأنفال/۲۴

قرآن برنامهٔ کامل حیات است که در سایهٔ آن سیر تکامل انسان ارمغان آور زندگی مطلوب، و دعوت آن در بر دارندهٔ تمام صورت ها، فرصت ها و مقاطع حیات ارزشمند بشری است. کتابی برای مردگان نیست که صرفاً تلاوت آن در مراسم عزاداری مرسوم شود، بلکه کتابی است برای زندگان و آمده تا طریقی روشن برای انسانیت ترسیم نماید زیرا در نگاهش دنیا و آخرت، جسم و روح، عقل و عاطفه توأم است.

۳- قناعت بر حلال و امتناع از حرام

امساک مؤمن از لذات، طعام و نوشیدنی های حلال در ماه رمضان به خاطر پیروی از فرمان خداوند، سبب می شود تا در ماه های دیگر به پرهیز از حرام توان بیشتر و ارادهٔ قوی تر داشته باشد، و این در حالی است که در دیگر روزهای سال به استفاده از نعمات حلال تشویق شده است: "ای کسانی که ایمان آورده اید! از نعمت های پاکیزه یی که به شما روزی داده ایم، بخورید و شکر خدا را به جا آورید اگر تنها او را می پرستید". بقره / ۱۷۲

همچنان در جایی دیگر می فرماید: "ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کار نیکو انجام دهید، که من به آنچه انجام می دهید آگاهم". مؤمنون/۵۱

بنا بر این انسانی که در ماه رمضان نفسش را از تناول و استفادهٔ نعمات حلال باز داشته و عادت داده است بهتر می تواند، در ایام دیگر سال از ارتکاب حرام خودداری نماید.

۴- انسان همواره در مشکلات خدا را یاد می کند

تحمل سختی ها و مشکلات در ماه رمضان برای انسان مؤمن به سبب روزه یی که دارد، آسان می شود و با صبر در برابر آن ها قلبش از یاد خدا مالامال می گردد.

زندگی مملو از مشکلات و آزمایش های الهی است، و چنان که خداوند بیان داشته، انسان چاره یی ندارد جز آن که با مشکلات پنجه نرم نماید: "آیا مردم پنداشتند که همین که بگویند: "ایمان آوردیم"، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟" عنکبوت/۲

"آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید و حال آن که هنوز مانند آنچه برسر پیشینیان شما آمد، بر سر شما نیامده است. آنان دچار سختی وزیان شدند، تا جایی که پیامبر خدا و کسانی که با وی ایمان آورده بودند، گفتند: پس نصرت الهی کی فرا می رسد؟ بدانید که نصرت الهی نزدیک است". (بقره ۲۱۴).

انسان برای آن که بتواند با مشکلات زندگی رویا روی گردد با تحمل و توان آن ها را پشت سر گذارد نیازمند آن است تا سختی های این ماه را به ممارست گیرد و در پرتو فیوضات و برکات آن بر توان و نیرویش بیفزاید. زیرا حکمت تحمل رنج و مشقت آن است که دل ها را به یاد خداوند زنده نگه می دارد. قرآن کریم در مورد این حکمت چنین می گوید: "به یقین، ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند پیامبرانی فرستادیم، و آنان ا به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم، تا به زاری و خاکساری در آیند. پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید تضرع نکردند؟ حقیقت این است که دل های شان سخت شده و شیطان آنچه را انجام می داد برای شان آراسته است. پس چون آن چه از نعمات الهی با آنها تذکر داده شد همه را فراموش نمودند ما هم ابواب هر نعمت را برای اتمام حجت بر روی آنها گشودیم تا به نعمتی که به آنها داده شد شادمان و مغرور شدند پس ناگهان آنها را به کیفر اعمال شان گرفتار کردیم که در این هنگام خوار و ناامید گردیدند". أنعام/ ۴۲-۴۴

در آخر برای مسلمانان شایسته است بی آن که از رمضان حکمت و درس بیاموزند آن را به پایان نرسانند زیرا این ماه مبارک مملو از پند و حکمت است. در این ماه مؤمنان باید به ضعف و سستی خود آگاه شوند، راه های پیشرفت و تعالی را درک کنند. به خداوند پناه جویند و به قرآن چنگ زنند و حیات و سعادت خود را در آن جستجو کنند. این جاست که مسلمانان به فلاح و رستگاری دنیا و آخرت نایل خواهند آمد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

• مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
• مطالب آمده مسترد نمی گردد.
• آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

دور ششم | سال ششم | شمارهٔ بیست و یکم | شنبه ۷ میزان ۱۳۸٦هـ ش | ۱۷ رمضان المبارک ۱٤۲۸ هـ ق 29 September, 2007

رئیس جمهور ایران چرا در امریکا توهین شد؟

عبدالمعین شاهد

سخنان بالینجر رئیس دانشگاه کولمبیا در مورد احمدی نژاد سر و صدای مطبوعاتی و عکس العمل هایی متناقض را به میان آورد.

احمدی نژاد رئیس جمهور ایران که جهت اشتراک در نشست مجمع عمومی سازمان ملل به امریکا سفر نمود، در دانشگاه کولمبیا در نیویارک سخنرانی کرد. قبل از سخنرانی احمدی نژاد، رئیس دانشگاه بیانیه یی را قرائت کرد که در آن کلمات توهین آمیز به رئیس جمهور ایران وجود داشت. بالینجر در سخنان خویش احمدی نژاد را دکتاتور حقیر و سنگدل خطاب کرد وبه پروندهٔ هسته یی ایران اشارت کرد و ایران را به مداخله در عراق و نقض حقوق بشر و آزادی بیان متهم نمود.

احمدی نژاد در بیانیهٔ خویش که به دنبال بیانیهٔ بالینجر، ایراد نمود ابتدا از سخنان توهین آمیز وی گلایه کرد اما گفت ترجیح می دهد به اتهامات رئیس دانشگاه جواب نگوید و به موضوعاتی بپردازد که از پیش



قصد داشت، آن را بیان کند.

توهین احمدی نژاد در دانشگاه کولمبیا مورد انتقاد شدید در ایران قرار گرفت و در این زمینه بحث هایی گوناگون هم در امریکا و هم در ایران، مطرح گردید.

اخلاق اکادمیک و موضع گیری بی طرفانهٔ یک مرکز علمی و رئیس یک دانشگاه، از طرف برخی رسانه ها و کارشناسان مورد بحث قرار گرفت. تکرار اتهامات دولت امریکا علیه ایران در مورد حقوق بشر، برنامهٔ ساخت سلاح هسته یی و مداخله در امور عراق، که تا هنوز از سوی منابع بی طرف تأیید نگردیده است از طرف رئیس یک دانشگاه با عبارت و کلمات شدید اللحن بی طرفی اکادمیک وی را زیر سؤال برد. آقای بالینجر یا سخنان خود را که قبل از سخنرانی احمدی نژاد عنوان نمود،

ادامه در ص ۶

برگزای اجلاس سران برای ...

سازمان ملل اعلام نموده است، در قرن گذشته گرمای زمین به میزان ۰,۷۴ درجهٔ سانتی گرید بلند رفت اما، پیش بینی می شود در قرن ۲۱، گرمای زمین حدود ۳ درجه سانتی گرید افزایش یابد که پی آمدهای خطرناکی را برای محیط زیست در پی خواهد داشت.

طبق پژوهش های علمی، علت اصلی گرمایش زمین، تولید گازهای گلخانه می باشد که باعث تخریب لایه اوزون در جو زمین می گردد. لایهٔ اوزون جلو رخنهٔ پرتوهای خطرناک آفتاب و دیگر ستاره ها را به گرفته و مانع افزایش گرما می شود.

امریکا بیشترین میزان گازهای گلخانه یی را تولید می کند. چین دومین تولید کنندهٔ این گازها می باشد. استفاده از سوخت های فوسیلی علت اصلی تولید گازهای گلخانه اعلام گردیده است.

برخی کشورهای صنعتی از جمله ژاپن و آلمان طرفدار کاهش تولید گازهای گلخانه یی می باشند، اما امریکا از هر نوع تعهدی برای کاهش این گازها امتناع می نماید.

افغانستان هفتهٔ نا آرامی را پشت سر گذاشت

در هفته یی که گذشت جنگ ها و حوادث آدم ربایی زیادی در گوشه و کنار کشور به وقوع پیوست.

روز یکشنبه ۲ سرباز ایتالیایی عضو نیروهای آیساف، در ولسوالی شیندند ولایت هرات از سوی افراد ناشناس ربوده شدند. نیروهای آیساف عملیاتی را جهت رهایی آنها به روز دوشنبه انجام دادند که در نتیجهٔآن هر دو سرباز آزاد شدند، اما در جریان این عملیات جراحات شدیدی برداشتند که وضع یکی از آنها وخیم گزارش گردیده است. در جریان عملیات مذکور همهٔ ربایندگان کشته شدند. ایتالیا در حال حاضر ۲۰۰۰ سرباز در افغانستان دارد.

به روز سه شنبه ۳ میزان یک هلی کوپتر نیروهای آیساف در ولایت بادغیس سقوط کرد، آیساف اعلام نمود در جریان سقوط این هلی کوپتر سرنشینان آن آسیب ندیده اند، اما سخنگوی طالبان ادعا کرد که سقوط این هلی کوپتر بر اثر حملهٔ آن ها صورت گرفته است.

در جلال آباد به روز پنجشنبه ۵ میزان، در نتیجهٔ یک حملهٔ انتحاری و واکنش نیروهای امریکایی، چندین نفر کشته شدند، یک موتر بمب گذاری شده قبل از وقت منفجر گردید که، در نتیجهٔ آن دو انتحار کننده کشته شده و سومین آن ها که لباس پولیس را بر تن داشت توسط سربازان امریکایی از پای در آمد.

گفته می شود، در این حادثه سربازان امریکایی بر روی غیر نظامیان آتش گشودند که، باعث کشته شدن چند نفر غیر نظامی گردید.

منابع ناتو اعلان نمود در جریان جنگ های روز سه شنبه و چهار شنبه تعداد زیاد غیر نظامیان را در ولایت هلمند از پای در آورده اند، طبق این خبر، طالبان می خواستند بر مواضع آیساف و نیروهای دولت افغانستان حمله نمایند که با مقاومت آیساف و نیروهای افغانستان رو به رو شده و حدود ۱۶۰ تن کشته دادند.

همچنان به روز پنجشنبه، گروه طالبان در ولایت وردک چهار نفر از کارمندان مؤسسهٔ صلیب سرخ بین المللی را که دو نفر آنان خارجی بودند اختطاف نمودند، ظاهراً این افراد از یک جلسهٔ مذاکره با طالبان به منظور رهایی یک ایتالیایی ربوده شده که در قید طالبان به سر می برد بر می گشتند.

شب پنجشنبه رادیو فرانسه اعلان نمود که بنا بر ادعای وزارت داخلهٔ افغانستان فردی به نام قاری یوسف احمدی که خود را سخنگوی طالبان می خواند دستگیر گردیده است. تا هنوز این خبر از سوی منابع دیگر تأیید نشده است.

اردوی ملی کار شهرداری و سارنوالی را به دوش گرفته است

به روایت شاهدان عینی روز پنجشنبهٔ گذشته گروهی از افسران اردوی ملی که یونیفرم رسمی بر تن داشتند وارد شهرک جدید التأسیس در ناحیهٔ پانزدهم در جوار قصبه شدند، آنان که خود را رئیس لوژستیک و رئیس تعمیرات و سر انجینر وزارت دفاع معرفی می کردند و دارای موترهای گروزینگ شیشه سیاه بودند به تهدید و تخویف کارکنان ساحه پرداختند و از آنان طالب اسناد و مدارک کار شدند و می گفتند که رئیس جمهور آنان را موظف کرده است تا از کار این شهرک وارسی کنند اما آنان مدرکی را خود برای این کار به مسؤولان ناحیهٔ شهرداری و حوزهٔ پلیس که در ساحه حضور داشتند ارائه نکردند.

اکنون معلوم نیست که آیا واقعاً این افراد دارای چنین سمت هایی هستند و از سوی وزارت دفاع به انجام چنین کاری مؤظف شده اند و یا خود سر به این کار دست زده اند و یا اساساً آنان به اردوی ملی بستگی ندارند ولی خود را در جامهٔ آنان زده اند؟ در حالی که همگان می دانند این گونه کارها از حیطهٔ وظایف اردوی ملی بیرون است و از وظایف شهرداری و سارنوالی به شمار می رود.

همچنان گفته می شود شماری از افسران نیروهای هوایی اردوی ملی با استفاده از زور بخشی از این شهرک را بدون هیچ مدرکی تصرف کرده و همه روزه مشغول ساختن خانه هستند، شاید این کار بدون بازپرس، افرادی دیگر از آنان را تشویق کرده باشد تا از این شیوهٔ پرسود بی بهره نمانند.

ناظران به این باورند اگر اولیای اردوی ملی به چنین تصرفات افسران و نیروهای خویش توجه نکنند بی تردید از جایگاه اردوی ملی در چشم و دل مردم فرو خواهد کاست.

شورای متحد باری دیگر بر
قانونمند شدن آیساف در افغانستان تأکید کرد

شورای متحد ملی با اصدار اعلامیه یی به تاریخ ۴ میزان خواستار قانونمند شدن حضور نیروهای آیساف در افغانستان شد، شورای متحد ملی تا هنوز چندین بار است که بر این موضع خویش به مناسبت های مختلف تأکید ورزیده است.

در این اعلامیه حضور نیروهای آیساف در کشور مفید و با اهمیت خوانده شده است اما تأکید شده است که "این حضور باید با مؤثریت حقوقی ملی و بین المللی همراه باشد تا سبب افزایش اعتماد جامعه نسبت به نیات دوستانهٔ این نیروها گردد".

از دید شورای متحد ملی تمدید مدت مأموریت نیروهای آیساف در افغانستان برای یک سال دیگر که از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ بیست و نهم سنبله صورت گرفت، زمانی جنبهٔ قانونی پیدا می کند که مبتنی بر مواد شصت و چهارم و نودم قانون اساسی کشور، مورد تأیید شورای ملی قرار گیرد، در غیر آن صدور خود سرانهٔ مجوز تمدید مأموریت به این نیروها از سوی شورای امنیت، نقض صریح قانون اساسی و حاکمیت ملی افغانستان تلقی می شود.

شورای متحد ملی از شورای امنیت سازمان ملل متحد خواسته است در چنین تصمیم گیری ها، به قانون اساسی و اصل حاکمیت ملی افغانستان احترام بگذارد و نیز از حکومت وشورای محترم ملی افغانستان خواسته است که در راستای تطبیق قانون اساسی و پاسداری از حاکمیت ملی، به طی مراحل قانونی شورای امنیت سازمان ملل متحد بپردازند.

میزان فساد در کشورها ...

گزارش سازمان شفافیت بین المللی در مورد میزان فساد اداری در کشورهای جهان، در پهلوی گزارش بانک جهانی منبع قابل اعتبار بین المللی است.

گزارش سازمان شفافیت بین المللی و اختصاص شاخص ۱۷۲ از طرف افغانستان در حالی انتشار می یابد که، دولت افغانستان و ارگان های آن، موجودیت چنین فساد گسترده یی را نادرست خوانده و در برابر انتقادات رسانه ها واکنش نشان می دهند، چنانچه چندی قبل ستره محکمهٔ افغانستان مدیر مسؤول روزنامهٔ آرمان ملی را که سخنان یکی از والیان را در مورد موجودیت فساد اداری در آن ارگان منتشر نموده بود، فراخوانده و به وی هدایت داد تا بعد از این دست آوردهای آن اداره را از یاد نبرد.